

Realism in Writing Reasons: Investigating the Reasons for *Tathbit dala'il Al-Nobovvah* (Confirming the Reasons for Prophecy) by Qazi Abd Al-Jabbar Hamedani Mo'tazeli

Mojtaba Geravand*

Daryoush Nazari** MAhnaZ Kouhi***

(Received on: 2017-12-25; Accepted on: 2018-08-28)

Abstract

Writing reasons in Holy Prophet's practice started during the third century. This branch of Holy Prophet's historiography aims at investigating and introducing the books that make effort to prove his prophetic mission particularly emphasizing the signs and miracles of his prophecy. *Tathbit dala'il Al-Nobovvah* is of the most noteworthy books in historiography of the reasons for prophecy. The author is Qazi Abd Al-Jabbar Hamedani, a great scholar of the Mo'tazelite and the well-known chief judge in Rey. He adopted a different approach both in writing style and in reasons for writing from other authors of the books on reasons of prophecy. Of the remarkable features of this book has been the author's attention to the facts in proving the prophecy of Mohammad (SA), the point which is not paid enough attention to in other such books, particularly Hadith books. In the present article, it has been tried to delve into various aspects of *Tathbit dala'il Al-Nobovvah*, emphasizing the features of writing reason. How Abad Al-Jabbar Hamedani has thought about miracles and the signs of prophet hood of Mohammad (SA) as well as fitting this image in prophet's reasonography have been investigated in this article. The method of this research is library-based, relying on primary resources in addition to making use of recent research and applying descriptive- analytical approach for analyzing the data.

Keywords: Prophet Mohammad (SA), reasonography, *Tathbit dala'il Al-Nobovvah*, miracle, Abad Al-Jabbar Hamedani.

* Assistant professor, Department of history of Islam, Lorestan University, Lorestan, Iran. (corresponding author), garavand.m@lu.ac.ir.

** Assistant professor, Department of history of Islam, Lorestan University, Lorestan, Iran, nazari.d@lu.ac.ir.

*** PhD student, History of Islam, Lorestan University, Lorestan, Iran, nmahnazkoohi@yahoo.com.

واقع نگری در دلایل نگاری: بررسی تثبیت دلائل النبوة اثر قاضی عبدالجبار همدانی معتزلی

مجتبی گراوند*

داریوش نظری** مهناز کوهی***

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۰۶]

چکیده

دلایل نگاری در سیره نبوی (ص) از قرن سوم هجری به وجود آمد. این شاخه از تاریخ نگاری پیامبر (ص) کتاب هایی را بررسی و معرفی می کند که با تأکید ویژه بر معجزات و نشانه های پیامبری حضرت محمد (ص) سعی در اثبات نبوت وی دارد. تثبیت دلائل النبوة یکی از مهم ترین آثار در تاریخ نگاری دلائل النبوة است. نویسنده این اثر قاضی عبدالجبار همدانی، از بزرگان معتزله و قاضی القضاة معروف ری، بود. وی هم در شیوه نگارش و هم در هدف نوشتن، راهی مستقل از دیگر نویسندگان کتب دلایل پیمود. از ویژگی های مهم این کتاب توجه نویسنده به واقعیت ها در اثبات نبوت حضرت محمد (ص) بوده است؛ چیزی که در دیگر کتب دلایل، به ویژه آثار حدیثی، کمتر به آن توجه شده است. در مقاله پیش رو می کوشیم زوایای مختلف کتاب تثبیت دلائل النبوة را با تکیه بر خصایص دلایل نگاری بررسی کنیم. اینکه عبدالجبار همدانی درباره معجزات و نشانه های پیامبری حضرت محمد (ص) چگونه اندیشیده و قراردادن این تصویر در قاب دلایل نگاری پیامبر (ص)، در پژوهش حاضر بررسی شده است. روش تحقیق در این مقاله، کتابخانه ای با تکیه بر منابع دست اول در کنار بهره گیری از تحقیقات جدید، و استفاده از شیوه تحلیلی توصیفی برای بررسی داده ها است.

کلیدواژه ها: حضرت محمد (ص)، دلایل نگاری، تثبیت دلائل النبوة، معجزه، عبدالجبار همدانی.

* استادیار گروه تاریخ اسلام، دانشگاه لرستان، لرستان، ایران (نویسنده مسئول) garavand.m@lu.ac.ir

** استادیار گروه تاریخ اسلام، دانشگاه لرستان، لرستان، ایران nazari.d@lu.ac.ir

*** دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه لرستان، لرستان، ایران mahnazkoohi@yahoo.com

مقدمه

دلایل‌نگاری از شاخه‌های تاریخ‌نگاری اسلامی به شمار می‌رود که در دو بخش دلایل‌نگاری سیره رسول گرامی اسلام (ص) و سیره ائمه شیعه (ع) آثاری را عرضه کرده است. در این گونه کتاب‌ها توجه ویژه‌ای به معجزات و کرامات پیامبر (ص) و امامان شیعه (ع) به چشم می‌خورد. دلایل‌نگاری در سیره حضرت محمد (ص) شامل آثاری با عناوینی همچون «دلایل النبوه»، «اثبات النبوه»، «اعلام النبوه» و «تثبیت دلایل النبوه» است که از اوایل قرن سوم هجری به بعد نگاشته شد و در آن تأکید اصلی نویسنده بر معجزات و نشانه‌های پیامبری آن حضرت به عنوان دلایلی برای اثبات پیامبری ایشان بوده است. نویسندگان کتب دلایل در پرداختن به موضوع از منابع متعددی بهره برده‌اند، از جمله: قرآن، کتاب‌های حدیثی، کتب سیره، کتب خصایص و کتب عقاید و اعجاز قرآن (بهرامیان و حسینی قمصری، ۱۳۹۲: ۴). واژه «دلایل» در نام‌گذاری این آثار به معنای نشانه‌های پیامبری محمد (ص) اعم از معجزات ایشان است.

قاضی عبدالجبار همدانی فقیه، متکلم، مفسر و در برخی علوم دینی دانشمند بود (کحاله، بی‌تا: ۷۸؛ بغدادی، ۱۹۵۱: ۴۹۸/۵). مقام او در بین معتزله تا به حدی است که او را آخرین عالم بزرگ معتزلی دانسته‌اند و در بعضی منابع به نام قاضی عبدالجبار معتزلی معروف شده است (سزگین، ۱۳۸۰: ۹۰۸/۱). صاحب بن عباد به دلیل جایگاه و مقام علمی و فقهی عبدالجبار همدانی، بعد از سال ۳۶۰ ه. ق. او را از بغداد به ری دعوت کرد و تا آخر عمر به تدریس مشغول بود. او همچنین به مقام قاضی‌القضاتی ری منصوب شد (قمی، ۱۳۶۸: ۵۳/۳). قاضی عبدالجبار به دلیل تألیفات گران‌بهای خود در علم کلام معتزلی و به‌ویژه به دلیل نوشتن کتاب *المغنی فی ابواب العدل والتوحید* از بزرگ‌ترین علمای کلام محسوب می‌شود (زریاب خویی، ۱۳۶۸: ۳۹۴).

کتاب *تثبیت دلایل النبوه* قاضی عبدالجبار همدانی یکی از آثار مهم باقی‌مانده در زمینه دلایل‌نگاری است. قاضی عبدالجبار از ائمه برجسته معتزلی بود. تأثیر دیدگاه‌های معتزلی در کتاب *تثبیت دلایل النبوه* به این صورت آشکار شده که برخلاف بسیاری از

نویسندگان کتب دلائل، قاضی عبدالجبار معجزات پیش از رسیدن به نبوت را برای پیامبر اکرم (ص) برنمی‌شمرد. در واقع، قاضی عبدالجبار وجود نشانه‌های پیامبری پیش از رسیدن به نبوت را برای حضرت محمد (ص) ضروری نمی‌داند. از طرفی وی اثر جدلی و استدلالی‌اش را در اثبات نبوت حضرت محمد (ص) نوشته، اما به نظر می‌رسد هدف او مقابله با مخالفان بوده و در هر مبحثی که مطرح می‌کند راهی برای نگاشتن ردیه‌ای بر مخالفانش، از مسیحیان، یهودیان و حتی فرق اسلامی و به‌ویژه شیعیان، می‌جوید.

مقاله حاضر بر مبنای این پرسش اصلی سامان یافته است که: قاضی عبدالجبار همدانی، به عنوان یکی از ائمه مهم معتزلی در قرن چهارم هجری، چه دیدگاهی راجع به معجزات حضرت محمد (ص) در اثبات پیامبری ایشان داشته است؟ با توجه به کنکاش‌های صورت گرفته، محققان چندان به این موضوع توجه نکرده‌اند. خانجانی در مقاله «نگاهی به کتاب‌های دلائل در سیره نبوی» با اشاره به کتاب‌هایی که با این عنوان نگاشته شده، تعدادی از آنها را به اختصار معرفی، و با نگاهی به محتوای برخی از آنها، ویژگی‌های این کتاب‌ها را بیان می‌کند. رینولدز در مقاله «آیا می‌توان تثبیت دلائل النبوه را منبعی مسیحی به شمار آورد؟»، کتاب تثبیت دلائل النبوه را از دریچه‌ای دیگر نگریسته است. او به دنبال اثبات این نکته است که می‌توان تثبیت دلائل النبوه را منبعی برای مطالعات مربوط به مسیحیت به شمار آورد. وی نشان داده است که معتبرترین و ارزشمندترین گزارش‌هایی که عبدالجبار آورده آنهایی است که در گفته‌ها و اعمال عادی جماعت مسیحی به نوعی امور غیرعادی را توصیف و معرفی می‌کنند. دهقانی‌نژاد و سعیدی‌مهر در مقاله «دالات معجزه از دیدگاه قاضی عبدالجبار همدانی» به شیوه کلامی به موضوع مد نظر پرداخته‌اند. دیدگاه قاضی در این مقاله، بر اساس کتاب *المغنی فی ابواب التوحید والعدل* بوده است. بهرامیان و حسینی قمصری نیز در مقاله «زمینه‌ها و علل شکل‌گیری کتب دلائل» ضمن معرفی فهرست‌وار برخی کتب دلائل، از باب نمونه و به اختصار به معرفی کتاب *دلائل النبوه بیهقی* اثر بیهقی و *شرف النبی* اثر

واقع‌نگری در دلایل‌نگاری: بررسی تثبیت دلایل النبوة اثر قاضی عبدالجبار همدانی معتزلی / ۹۳

ابوسعید واعظ خرگوشی پرداخته‌اند. وجه تمایز مقاله حاضر از سایر پژوهش‌های انجام‌شده آن است که تخصصی و مستقل به تشریح و توصیف دلایل‌نگاری در سیره پیامبر (ص) پرداخته است. همچنین، به کتاب تثبیت دلایل النبوة اثر قاضی عبدالجبار همدانی از دریچه دلایل‌نگاری نگریسته و به بررسی اختصاصات دلایل‌نگاری در سیره پیامبر (ص) توجه داشته و متناسب با محتوای کتاب عبدالجبار، به دلایل واقع‌نگری و چگونگی تلاش عبدالجبار در اثبات پیامبری حضرت محمد (ص) نیز پرداخته است.

دلایل‌نگاری و مضمون آن

اولین گامی که پس از اسلام در تاریخ‌نویسی برداشته شد، سیره‌نگاری و مغازی‌نویسی بود (تاج‌پور، در: ابن‌عبری، ۱۳۶۴: ۹). مکتب حدیثی مدینه را باید نخستین مکتب تاریخ‌نگاری، یعنی سیره‌نگاری و مغازی‌نویسی، به شمار آورد (سجادی و عالم‌زاده، ۱۳۸۰: ۴۸). ابن‌سعد (متوفای ۲۳۰ ه.ق.) کاتب و شاگرد واقدی، آخرین نماینده مهم مکتب مدینه، کتاب طبقات را نگاشت. او در ابتدای این کتاب، سیره رسول خدا (ص) را در نظمی جدید و اسنادی کامل‌تر عرضه کرده و به شمایل، فضایل و دلایل نبوت پیامبر (ص) نیز پرداخته است. از این‌رو می‌توان گفت ابن‌سعد خطوط نهایی سیره‌نویسی را ترسیم کرده است (دوری، ۱۴۲۰: ۳۷).

در ادامه راه سیره‌نویسی، عوامل چندی موجب شد در کنار علاقه شدیدی که به حفظ سیره رسول خدا (ص) و جزئیاتش وجود داشت، تمایل به تحریف اخبار سیره نیز پدید آید. این تمایلات می‌توانست ناشی از دسته‌بندی‌های سیاسی و فرقه‌ای و همچنین اختلافات قبیله‌ای باشد؛ همچنان که بی‌توجهی آگاهان به سیره در جداکردن اخبار درست و توجه به گردآوری هر چیز و هر خبر، سبب رسوخ کژی‌های فراوان در کتب سیره شد (جعفریان، ۱۳۸۵: ۶۸).

سیره‌نگاری در اواخر قرن دوم هجری به مرحله‌ای رسید که محدثان، متکلمان و بزرگان دینی در نقاط مختلف جامعه اسلامی به نگارش دلایل‌نامه‌ها گرایش یافتند؛

چراکه در خصوص اصول عقاید دینی که اینک تحت تأثیر عوامل متعدد در معرض انکار بود، احساس خطر می‌کردند. امواج افکار گوناگون از چهار سوی جامعه اسلامی و از طرف اندیشمندان مختلف، توحید، نبوت و معاد را، به عنوان سه اصل مهم پایه اعتقادات اسلامی، در معرض پرسش قرار داده بود. از این‌رو برای مقابله با چنین افکاری، کتاب‌های دلایل نوشته شد که با توسل به روش‌های مختلف می‌کوشیدند حقانیت نبوت حضرت محمد (ص) را از طریق معجزاتش اثبات کنند.

این معجزات و دلایل، پیش از اینها در کتاب‌های سیره و مغازی به طور پراکنده وجود داشت، اما در کتاب‌های مذکور به صورت یکجا و مستقل گردآوری شد. پرداختن به معجزه در این آثار، متفاوت با آثار منقبت‌نگاری است. منقبت‌نگاری در عرف تاریخ‌نگاری اسلامی نوعی سیره اختصاصی است که کلیه فضایل، افعال، کردار، معجزات، کرامات و عبادات شخص مد نظر را، اعم از پیامبر اسلام (ص) یا ائمه اطهار (ع) و بزرگان دین، بیان می‌کند (آیین‌وند، ۱۳۷۷: ۳۴۵).

تفاوت اصلی این آثار با کتاب‌های سیره و مغازی این است که هدف اصلی در کتاب‌های دلایل پرداختن به زندگی حضرت محمد (ص) نیست. در این آثار اگر به جنگ‌های ایشان اشاره شده، فقط به دلیل ذکر معجزات حضرت است؛ اگر به تولد پیامبر (ص) پرداخته‌اند هدف ذکر معجزات و شگفتی‌ها در زمان تولد ایشان است. نمونه استثنا در این آثار، کتاب *دلایل النبوه بیتهقی* است که علاوه بر ذکر معجزات رسول خدا (ص) به زندگی ایشان نیز پرداخته است، هرچند معجزه‌مداری این متن نیز کاملاً مشهود است. این در حالی است که کتاب‌های سیره و مغازی، حضرت محمد (ص) را بیشتر به عنوان شخصیتی تاریخی مطرح کرده‌اند تا از منظر نیروهای خارق‌العاده و فرابشری.

انگیزه‌های دلایل‌نگاری

با نگاهی کلی به کتاب‌های دلایل در سیره پیامبر اسلام (ص) درمی‌یابیم که هدف در تمام کتاب‌های موسوم به *دلایل النبوه*، *أعلام النبوه* و *نظایر آن*، اثبات پیامبری حضرت

واقع‌نگری در دلایل‌نگاری: بررسی تثبیت دلایل النبوة اثر قاضی عبدالجبار همدانی معتزلی / ۹۵

محمد (ص) است. این هدف از راه شناخت دلایل و نشانه‌های پیامبری آن حضرت (معجزات ایشان) صورت گرفته است؛ اما هر یک از این نویسندگان برای نیل به این هدف مسیری جداگانه پیموده‌اند. علی بن سهل بن ربن طبری، نویسنده *الدین والدولة* فی اثبات نبوة النبی، می‌گوید:

من معتقدم تمام کسانی که با اسلام مخالفت می‌کنند به چهار علت است: اول، شک در خبر پیامبر (ص)؛ دوم به دلیل غرور و تعصب؛ سوم به دلیل تقلید؛ و چهارم به دلیل حماقت و نادانی. و به جانم قسم اگر در خبر پیامبر (ص) تدبر و تعقل می‌کردند آن را می‌پذیرفتند و رد نمی‌کردند و قطعاً در برابر امر خدا مخالفت نمی‌کردند، و بر ما است که در تثبیت خبر بر ایشان بکوشیم و شکشان را از بین ببریم و بر ایشان اصول اخبار و فروع و علتش را بیان کنیم و وجوهی را که به وسیله آن حق از باطل شناخته می‌شود و عواملی را بیان کنیم که به سبب آن امت‌ها انبیا را پذیرفتند و به وسیله آن به دعوتشان نزدیک شدند (طبری، ۱۳۹۳: ۳۶).

شاید این مهم‌ترین دلیل طبری برای نوشتن کتابش باشد. تیمی اصفهانی، مؤلف *دلایل النبوة*، در سبب تألیف کتابش می‌گوید:

جماعتی از اهل علم از من خواستند که مختصری از دلایل نبوت و معجزات پیامبر اسلام (ص) را بر آنها املا کنم که به آن تکیه کنند و آرامش یابند و من اجابت کردم بر سبیل اختصار و ایجاز، و به انتهای آن مبعث و مغازی و مولد و سرایای پیامبر (ص) را افزودم (تیمی اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۳۷/۱).

ابوحاتم رازی کتاب *اعلام النبوة* را علیه فیلسوفی منکر ضرورت وحی و نبوت نوشته است. کتاب او اولین اثر اسماعیلی در این موضوع است و منبعی مهم برای آثار مشابه بعدی به شمار می‌رود (اعوانی، در: ابوحاتم رازی، ۱۳۹۷: یازده). بیهقی در آغاز کتاب *دلایل النبوة و معرفة احوال صاحب الشریعة* در بیان سبب تألیف کتابش می‌نویسد: «اراده کردم که به خواست خداوند متعال کتابی درباره برخی از معجزات پیامبرمان و دلایل

نبوتش فراهم آورم تا کمکی در راه اثبات رسالت آن حضرت باشد» (بیهقی، ۱۴۰۵: ۶۹/۱). به این ترتیب می‌بینیم که هدف و انگیزه اصلی نویسندگان کتب دلایل، دفاع از یکی از مهم‌ترین اصول دین اسلام، یعنی نبوت، بوده است.

زمینه شکل‌گیری موج دلایل‌نگاری

زمینه‌ای که بستر تولید چنین آثاری را فراهم کرد، اوضاع فکری و فرهنگی قرن دوم هجری به بعد بود. ورود افکار و اندیشه‌های مختلف به جامعه اسلامی باعث شد اندیشه‌های جدید و گاه مخرب راجع به عقاید اسلامی در جامعه انتشار یابد، به طوری که اصول و فروع اسلام نیز رد و انکار می‌شد. در زمان مهدی عباسی (۱۵۸-۱۶۹ ه.ق.) اختلافات مذهبی و نزاع‌های دینی گسترش یافت. زیرا ابن مقفع و دیگران پاره‌ای از تألیفات مانی و ابن‌دیمان،^۱ مرقیون^۲ و ... را از فارسی و پهلوی به عربی ترجمه کرده بودند و عده‌ای هم کتاب‌هایی در تأیید آن مذاهب تألیف کردند و طبعاً اختلافات و کشمکش‌های مذهبی درگرفت. زندیق‌ها بیشتر شدند و آرا و عقایدشان انتشار یافت (زیدان، ۱۳۸۶: ۵۵۵).

در دوره مهدی زنداقله تحت تعقیب قرار گرفتند (طوقش، ۱۳۹۳: ۷۶). مأمون اگرچه در مواجهه با اهل کتاب تسامح داشت، راجع به زنداقله این رویه را در پیش نگرفت. برخی از زنداقله، مانند ابن مقفع، همچون براهمه منکر نبوت بودند. استدلالشان این بود که آنچه انبیا آورده‌اند یا با عقل موافق است یا نیست؛ اگر موافق است دیگر نیازی به انبیا نیست؛ چون اندیشمندان هم می‌توانند آن را درک کنند و اگر گفته‌های آنها منطبق با عقل نباشد قبول آنها جایز نیست. متکلمان اسلامی با این افکار مقابله کردند؛ با این دستاویز که ممکن است پیامبران چیزی بیاورند که اگرچه عقلانی است، عقل عامه نمی‌تواند حکمتش را درک کند. گروهی دیگر با آشنایی با مقالات فلسفی یونانی و تأمل در دعاوی براهمه و مانویه، نوعی از زنداقله به وجود آوردند که مبدأ و معاد، نبوت و به طور کلی دین را انکار می‌کردند. محمد بن زکریای رازی، ابن‌راوندی و ابوالعلاء معری به این نوع زنداقله متهم

واقع‌نگری در دلایل‌نگاری: بررسی تثبیت دلایل النبوة اثر قاضی عبدالجبار همدانی معتزلی / ۹۷

بودند (زرین‌کوب، ۱۳۸۴: ۱۰۲-۱۰۵). بر اثر خواندن این کتب و اطلاع از این عقاید، برخی از مسلمانان به مفاهیم بنیادین اسلام بی‌اعتقاد شدند. از این جهت عده‌ای از علمای اسلام به فکر آن افتادند که در بیان عقاید اسلامی و در رد شبهات مخالفان و زنادقه، کتاب‌هایی در توحید و نبوت و معاد بنویسند (مشکور، ۱۳۶۸: ۳).

از جنبه‌ای دیگر، پیدایش علم کلام اسلامی نتیجه تلاشی بود برای دفاع از اصول عقاید اسلامی در برابر حمله‌های پیروان ادیان دیگر، به‌ویژه مسیحیان که با حربۀ منطق یونانی خود را مسلح کرده بودند (نصر، ۱۳۸۶: ۳۳۴). ترجمه آثار بیگانه اگرچه از دوره امویان آغاز شد، در دوره عباسیان به صورت منسجم و فراگیر در علوم مختلف پی‌گیری شد. کتاب‌هایی در زمینه علوم انسانی، از جمله فلسفه، از زبان یونانی به عربی ترجمه شد و مسلمانان با فلسفه یونان و شیوه تعقل آن آشنا شدند. بنابراین، از ایمان ساده و تعبد نخستین کم‌کم فاصله گرفتند. آنها با این نگرش، در آنچه پیش از این بدون قید و شرط پذیرفته بودند نگرستند و دچار شک و تردید شدند (مطهری، ۱۳۸۷: ۱۵۱).

این جریان‌های فکری در اواخر قرن دوم و سراسر قرن سوم هجری، جامعه اسلامی را دگرگون کرد. از این‌رو، متکلمان، فیلسوفان و محدثان اسلامی کتاب‌هایی در رد چنین افکاری نگاشتند؛ مانند *أعلام النبوة* رازی که ابوحاتم آن را در رد افکار و عقاید محمد بن زکریای رازی، که به انکار نبوت پرداخته بود، نوشت. حکومت هم با حمایت از برخی نویسندگان چنین آثاری، آنها را بدان ترغیب می‌کرد، مانند علی بن ربن طبری که احتمالاً به سفارش متوکل عباسی کتابش را نگاشت (طبری، ۱۳۹۳: مقدمه). آنها کوشیدند با توسل به معجزات و نشانه‌های پیامبری حضرت محمد (ص) نبوت وی را اثبات کنند. از این‌رو آثاری پدید آمد که اگرچه امروزه بسیاری از آنها در دسترس نیست، شاخه‌ای در تاریخ‌نگاری پیامبر اسلام (ص) شکل گرفت که تا به امروز به آن بی‌مهری شده و در شیوه‌های مختلف تاریخ‌نگاری کمتر به آن توجه شده است.

جغرافیای دلایل‌نگاری

این‌گونه آثار در جغرافیای خاصی نگاشته نشده‌اند. چنان‌که با نگاهی به شرح حال نویسندگان آنها می‌بینیم که در سرزمین‌های شرقی اسلامی مانند چاچ، ابوبکر قفال چاچی (مدرس، بی‌تا: ۱۵۶؛ حموی، ۱۳۷۴: ۲۳۳/۳) و در نسف، مستغفری کتاب‌هایی در این زمینه تألیف کردند. در غرب هم، ابن دلّهات اندلسی (بغدادی، بی‌تا: ۱۰۴/۱) و ابن فطیس (ضبی، ۱۸۸۴: ۳۴۳؛ زرکلی، ۱۹۸۹: ۳۲۵/۳؛ کحاله، بی‌تا: ۱۸۶/۵) دلائل النبوة‌هایی نوشته‌اند. ابوبکر فریابی، قاضی دینور، نویسنده کتاب *دلائل النبوة و معه در فاریاب افغانستان به دنیا آمد* (فریابی، ۱۹۵۴: ۵) و بعد از مدتی که بر منصب قضاوت دینور تکیه داد در بغداد ساکن شد (سمعانی، ۱۴۰۸: ۳۷۶/۴). ابوحاتم رازی نویسنده *أعلام النبوة* نیز به گفته نظام‌الملک در پشاپویه، نزدیک ری، به دنیا آمد (طوسی، ۱۳۴۷: ۲۸۵) و بعد از گذراندن دوران تحصیلش در مدرسه دعوات یمن به ری برگشت (غالب، ۱۹۶۴: ۹۷). سپس به رسم دعوات اسماعیلی سفرهایش را آغاز کرد و به دیلم (هالم، ۲۵۳۶: ۱۰۲۰) و آذربایجان (بدوی، ۱۳۷۴: ۲۹۳) رفت و سرانجام در پی اتهاماتی که به او وارد شد، به دنبال چند سال زندگی پنهانی در سال ۳۲۲ در خفا بدرود حیات گفت (غالب، ۱۹۶۴: ۹۸). ابوسعید خرگوشی، نویسنده کتاب *شرف النبی (دلائل النبوة)* در نیشابور به دنیا آمد و در پی علم به سرزمین‌های عراق، حجاز و مصر رفت و در سال ۴۰۷ در زادگاهش، نیشابور، درگذشت (ذهبی، ۱۴۱۳: ۱۴۱۷/۲۵۶؛ سمعانی، ۱۴۰۸: ۳۵۰/۱؛ قمی، ۱۳۶۸: ۲۰۵/۲؛ جزری، ۱۴۰۰: ۴۳۶/۱). ابونعیم اصفهانی نویسنده *دلائل النبوة* از اصفهان (ابونعیم اصفهانی، ۱۳۹۷: ۱) و ماوردی مؤلف *أعلام النبوة* از بصره (نیاوردی، ۱۴۱۴: ۲۱) برخاستند. قاضی عبدالجبار همدانی نویسنده معتزلی کتاب *تثبیت دلائل النبوة*، قاضی القضاة مشهور ری بود (قمی، ۱۳۶۸: ۵۳/۳). ابن بابویه قمی نویسنده *أعلام النبوة* از قم (زرکلی، ۱۹۸۴: ۱۲۰/۴؛ نجاشی، ۱۴۰۸: ۳۱۱)، ابوبکر محمد بن حسین بن محمد بن زیاد بن هارون نقاش شافعی مقری موصلی از موصل (ابن‌ندیم، ۱۳۴۶: ۵۸) مؤلف *دلائل النبوة* و ابن‌قتیبه دینوری نویسنده *أعلام النبوة*، قاضی دینور، بود (همان: ۱۳۱). ابواسحاق جوزجانی مؤلف *امارة النبی* در دمشق

واقع‌نگری در دلایل‌نگاری: بررسی تثبیت دلایل النبوة اثر قاضی عبدالجبار همدانی معتزلی / ۹۹

می‌زیست (ذهبی، ۱۴۱۴: ۷۲/۱۹). به همین ترتیب و با نگاهی به نویسندگان کتب دلایل درمی‌یابیم که در بغداد، موصل، کوفه، بصره، قم، قزوین، ری، اصفهان، هرات، عکا و دمشق نیز نویسندگانی به نگارش این آثار دست زده‌اند. دلیل این پراکندگی چیزی نیست جز اینکه نبردهای اندیشه‌ای در جای‌جای سرزمین‌های اسلامی در جریان بوده است؛ به‌ویژه مراکز مهم فرهنگی مانند قرطبه، بغداد و توابع آن، و برخی از شهرهای ایران به دلیل سابقه اندیشه‌ای، بیشتر شاهد چنین جریانی در سیره‌نویسی بوده‌اند.

دامنه زمانی دلایل‌نگاری

با گذشت زمان و نگارش کتاب‌های متعدد و گوناگون در سیره، این نوشته‌ها کم‌کم از چارچوب واقعیات و روایت‌های ساده خارج شد، به طوری که بر اثر انگیزه‌های دینی و اجتماعی، به‌مرور شکلی آمیخته با غلو به خود گرفت. از قرن سوم هجری به‌تدریج مسیر جدیدی در تاریخ‌نگاری با موضوع سیره رسول خدا (ص) باز شد و کتاب‌هایی به نگارش درآمد که تحت تأثیر اوضاع سیاسی، دینی و مباحث کلامی روز، به اثبات پیامبری حضرت محمد (ص) می‌پرداخت. این کار با تأکید بر معجزات ایشان صورت پذیرفت. از اولین کتاب‌هایی که در این موضوع نگاشته شد می‌توان به *آیات النبى* نوشته ابوالحسن علی بن محمد بن عبدالله مدائنی اشاره کرد. مدائنی در بازه زمانی ۱۳۵ تا ۲۲۴ هجری می‌زیست (سمعانی، ۱۴۰۸: ۲۳۲/۵). ابواسحاق جوزجانی *امارة النبى* را در قرن سوم نگاشت. وی متوفای سال ۲۵۹ ه.ق. است (ذهبی، ۱۴۱۴: ۷۲/۱۹). نیز ابوزرعه رازی در قرن سوم *دلائل النبوة* را نوشت (همان: ۱۲۵/۲۰). *أعلام النبى* ابوسلیمان اصفهانی معروف به ظاهری در قرن سوم نوشته شد (همان: ۹۰/۲۰) و ابوداود سجستانی و ابن قتیبه دینوری هم *أعلام النبوة*‌های خود را در قرن سوم نوشته‌اند (همان: ۳۵۸/۲۰؛ ابن‌ندیم، ۱۳۴۶: ۱۳۱). از دیگر کتاب‌های دلایل که در قرن سوم هجری نگاشته شد می‌توان از *أعلام النبى* ابوحاتم حنظلی، *دلائل النبوة* ابوزرعه رازی، *دلائل النبوة* ابن‌ابی‌الدینا و *دلائل النبوة* ابواسحاق حربی نام برد.

در قرن‌های چهارم و پنجم هجری آثار مهمی به نگارش درآمد. حتی می‌توان اوج نگارش دلایل‌نامه‌ها را قرن چهارم و به دنبال آن قرن پنجم هجری دانست. در قرن چهارم هجری، نیاوردی *أعلام النبوة* را با رویکردی عقلی و نقلی نوشت. همچنین، در این قرن، ابوحاتم رازی و ابویعقوب سجستانی، از فیلسوفان بزرگ اسماعیلی، آثار دیگری در این زمینه نگاشتند. آنها به روش عقلی و استدلالی کوشیدند نبوت را اثبات کنند. این آثار نه تنها به اثبات نبوت حضرت محمد (ص) می‌پردازند، بلکه به نبوت انبیای پیشین نیز توجه می‌کنند. چنان‌که ابویعقوب سجستانی در *اثبات النبوات* کوشیده است اصل نبوت عامه را از جنبه‌های گوناگون واجب بشمرد و اثبات کند (سجستانی، ۱۹۶۶: فصول دوم و سوم). کتاب‌های نوشته‌شده در این موضوع، به دلیل ماهیتش (اثبات نبوت از طریق معجزات و دلایل) رنگ کلامی به تاریخ نبوت می‌دهد. ابوسعید خرگوشی *شرف النبی*، قاضی عبدالجبار همدانی *تشییت دلائل النبوة*، مؤید زیدی *اثبات نبوة النبی*، ابونعیم اصفهانی *دلائل النبوة*، ابوبکر بیهقی *دلائل النبوة* و *معرفة احوال صاحب الشریعة* و تیمی اصفهانی *دلائل النبوة* را در همین برهه زمانی نگاشتند. دلایل‌نگاری در سیره پیامبر اسلام (ص) در قرون بعدی نیز پی‌گیری شده است، به طوری که جامی کتاب *شواهد النبوة* خویش را در قرن نهم هجری نگاشت. این کتاب نیز رویکردی مشابه با دلایل‌نگاری دارد.

به نظر می‌رسد این آثار در مواجهه با شبهاتی که درباره نبوت پیامبر (ص) در جامعه اسلامی به وجود آمده بود، پدید آمدند. نویسندگان با مروری بر سیره‌های نگاشته‌شده، در هر جا که توانستند نشانی از اعجاز و نبوت بیابند، آنها را گردآوری کردند و کتاب‌هایی نوشتند که چهره‌ای غیرطبیعی و فرابشری از آن حضرت ترسیم می‌کرد (جعفریان، ۱۳۸۵: ۷۷-۷۸). نویسندگان این کتاب‌ها نه تنها محدثان، بلکه متکلمان معتزلی، داعیان فیلسوف اسماعیلی، امامان زیدی و برخی اشخاص برجسته در علم و فلسفه بودند. آنها با توجه به فرقه و مسلکی که به آن تعلق داشتند و با توجه به آموزه‌های فکری و مذهبی خویش این آثار را نگاشتند.

شیوه بررسی کتب دلایل‌نگاری

برای بررسی کتب دلایل توجه به چند نکته ضروری است:

۱. نوشته‌های مربوط به دلایل، لزوماً عنوانی برگرفته از دلایل ندارد، بلکه ممکن است از عناوینی چون «أعلام النبوة»، «اثبات نبوة النبی»، «آیات النبی (ص)» و مانند آن نیز استفاده شده باشد که اگرچه عناوین متفاوت‌اند، اما موضوعشان واحد است.

۲. بیشتر این کتاب‌ها یا موجود نیست یا نسخه‌ای خطی از آنها وجود دارد که آن نیز شاید در دسترس نباشد و هنوز به چاپ نرسیده باشد. البته تعداد اندکی از آنها چاپ شده است.

۳. نگاه پدیدآورندگان کتاب‌های دلایل به موضوع و محتوای آثارشان یکسان نیست و این نگاه در کمیت و مطرح کردن برخی از مباحث تأثیر داشته است. از این‌رو در این کتاب‌ها، هم از نظر موضوع و هم از لحاظ روش، مباحث به یکسان مطرح نشده و چه‌بسا در برخی از آنها مباحثی مطرح شده باشد که با سیره و مغازی رسول خدا (ص) هیچ ارتباطی ندارد.

۴. گرچه برخی از کتاب‌ها با عنوان «اعلام النبوة» نگاشته شده، اما هم از لحاظ موضوع و هم از نظر شیوه، روش و انگیزه نگارش، با کتاب‌های دلایل و معجزات ارتباط دارد (خانجانی، ۱۳۸۱: ۱۳۳).

شاخصه‌های دلایل‌نگاری نبوی (ص)

نویسندگان آثار دلایل با توجه به مکتب کلامی‌ای که به آن تعلق داشتند، کتاب‌هایشان را نگاشته‌اند. بنابراین، نویسندگان شیعه و سنی هر یک شیوه‌ای متفاوت در پیش گرفته‌اند که تا حد زیادی به مکتب کلامی‌شان بستگی داشته است. بیشتر نویسندگان اهل تسنن، که از محدثان مشهور و بنام بودند، شیوه حدیثی و روایی را برگزیده‌اند. آنها با تنظیم فهرست نسبتاً کاملی از سلسله سند، روایات متعدد و پرشمار خود را مطرح کردند. چنین آثاری بیشتر در سده‌های چهارم و پنجم هجری به وجود آمد.

نکته مهم این است که در این کتاب‌ها مباحث ارهاصات و معجزات از هم تفکیک نشده و تمام حوادث به عنوان معجزات و دلایل آمده است. به نظر می‌رسد این تقسیم‌بندی‌ها بعدها، دست‌کم پس از دوره زمانی محل بحث، به وجود آمده است. در این کتاب‌ها نشانه‌های پیامبری حضرت محمد (ص) در سه مقوله مطرح شده است:

۱. **أعلام و پیش‌گویی‌های ادیان دیگر درباره ظهور حضرت محمد (ص):** بشارات انبیای پیشین، طبق تقسیم‌بندی ابوحاتم رازی، یکی از علائم مهمی است که در بیشتر کتاب‌های دلایل به آن توجه شده و از مهم‌ترین نشانه‌های پیامبری حضرت محمد (ص) است. طبری و مؤید زیدی مشخصاً به این بحث پرداخته و بشارات‌ها و پیش‌گویی‌های پیامبران مختلف را درباره حضرت محمد (ص) ذکر کرده‌اند. در سایر کتاب‌ها، پیش‌گویی‌های اشخاص دیگر همچون کاهنان آمده است.

۲. **ارهاصات، هواتف و هواجس:** «ارهاص» در اصطلاح متکلمان، حوادث خارق‌العاده یا شگفتی است که در آستانه یا زمان تولد تا پیش از بعثت انبیا، برای فراهم‌ساختن بستر و زمینه نبوت ایشان به وقوع می‌پیوندد. تفاوت «ارهاص» با «معجزه» در این است که «ارهاص»، پیش از زمان دعوت و بدون تحدی (مبارزه‌طلبی) است (نصیرالدین طوسی، ۱۴۰۵: ۳۷۳). «هواجس» الهاماتی است که برای بعضی از افراد رخ داده و آنها پیش از بعثت و گاه پیش از ولادت پیامبر (ص) به وی ایمان آورده‌اند (گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹: ۴۰-۴۱). «هواتف» و «هواجس» کمتر، اما «ارهاصات» به‌وفور در کتب دلایل به چشم می‌خورد. تفاوت آنها با «معجزه» در این است که معجزات پیامبر (ص) بعد از ادعای نبوت صورت می‌گیرد، در حالی که ارهاصات و هواجس مربوط به پیش از تولد و بعثت او است. ارهاصات ذکرشده درباره پیامبر (ص) در سه دسته می‌گنجد:

الف. اتفاقاتی که در آستانه ولادت پیامبر (ص) روی داد.

ب. حوادثی که هنگام ولادت پیامبر (ص) به وقوع پیوست.

ج. وقایعی که پس از تولد تا پیش از بعثت پیامبر (ص) رخ داد.

حلی برخی از ارهاصات را که پیش و در زمان تولد پیامبر (ص) و نیز در کودکی ایشان به وقوع پیوست ذکر کرده است: نابودی سپاه فیل، شکاف برداشتن ایوان کسرا، خشک شدن دریاچه ساوه، خاموش شدن آتشکده فارس، سایه افکندن ابر بر سر پیامبر (ص) در کودکی و حرکت آن با او و سلام کردن سنگ‌ها بر ایشان پیش از بعثت (حلی، بی‌تا: ۴۹۱-۴۹۲).

۳. معجزات: اموری خارق‌العاده که خدا برای اثبات پیامبری هر یک از انبیا در مقابل منکران و دیگر مردم، در اختیارشان قرار داده است. معجزه فعلی است که مردم از انجام‌دادنش عاجز باشند. واژه «معجزه» از مصدر «اعجاز» مشتق از ریشه ثلاثی مجرد «عجز» است که به معنای ضعف و ناتوانی است (ابن فارس، بی‌تا: ۲۲۳). تیمی اصفهانی، نویسنده *دلایل النبوة*، در کتابش در معنای کلمه «معجزه» می‌نویسد «معجزه» اسم فاعل مأخوذ از «عجز» در مقابل توانایی است. لفظ «معجزات» در کتاب و سنت نیامده و «آیت»، «بینه» و «برهان» ذکر شده است. «آیت» در لغت به معنای نشانه است؛ «بینه» به معنای نشانه واضح و حجت، و «برهان» به معنای حجت و دلیل (تیمی اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۳-۷۵). طبق آنچه در قرآن، بزرگ‌ترین معجزه پیامبر (ص)، آمده، معجزات دیگری مانند شق القمر نیز به وی نسبت داده شده است. در همه آثار دلایل‌نگاری در سیره پیامبر (ص) به چنین معجزه‌هایی به عنوان معجزات اصلی ایشان اشاره شده است.

اوضاع فکری زمانه قاضی عبدالجبار همدانی

در قرن چهارم هجری علم کلام اسلامی وارد مهم‌ترین دوره حیات خود شد و استقلالش را از علم فقه اعلام کرد. عامل و باعث این آزادی و استقلال، علمای معتزله بودند که در طول قرن سوم هجری فقط به مسائل کلامی پرداختند و در طول قرن چهارم مخالفان و دشمنان خود را ناچار به پذیرش آرا و عقاید خود کردند (متز، ۱۳۶۲: ۲۶۲). بغداد در این برهه زمانی صحنه نزاع گروه‌های مختلف فکری و سیاسی بود. اهل حدیث که مخالفان، آنان را «حشویه» می‌نامیدند، حنبله متعصب و افراطی بودند.

معتزله، عقل‌گرایان افراطی بودند و البته در مسئله خلافت کمابیش همان دیدگاه‌های اهل سنت و جماعت را داشتند. شیعه نیز ساختار خاص خود را داشت، چراکه هم در مبانی فقهی و هم کلامی، به‌ویژه در امامت، از دیگر گروه‌ها مستقل بود. اهل حدیث به‌شدت بر ضد معتزله بودند و دانش کلام را نمی‌پذیرفتند. شیعه و معتزله در این باب سخن یکدیگر را درک می‌کردند و در بغداد تماس نزدیک‌تری با هم داشتند. این تماس‌ها با روی کار آمدن آل‌بویه، که جانبدار تشیع و اندیشه‌های عقلانی بودند، بیشتر شد (جعفریان، ۱۳۷۲: ۸۳). قاضی عبدالجبار هم‌زمان با حاکمیت آل‌بویه بر عراق و فارس و خوزستان زندگی می‌کرد. در این زمان صاحب بن عباد وزارت آل‌بویه را بر عهده داشت. وی معتزلی بود و از مدافعان اصیل اعتزال که جلسات مناظره درباره خلق قرآن را ترتیب می‌داد. اگر معتزله توانست به اقتدار ممکن در دولت آل‌بویه برسد فقط به لطف و اعتبار صاحب بن عباد بود (ابوحیان توحیدی، ۱۹۶۵: ۸۰ به بعد). وی قاضی عبدالجبار همدانی را به عنوان قاضی‌القضات ری منصوب کرد (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۲۱/۲۲۶).

قاضی عبدالجبار به دلیل تألیفات گران‌بهایش در علم کلام معتزلی و به‌ویژه به دلیل نوشتن کتاب *المغنی فی ابواب العدل والتوحید* از بزرگ‌ترین علمای کلام محسوب می‌شود، ولی قدرت او در علم کلام و تألیفات بسیارش نتوانست کلام معتزلی را مقبول طبع عامه کند و شهرت آثارش نیز همراه با مرگ خود نویسنده دفن شد (زریاب‌خویی، ۱۳۶۸: ۳۹۴). او را باید از آخرین افرادی دانست که شخصی معتزلی با شاخصه‌های خاص معتزله است. یعنی نه تحت تأثیر شیعه قرار گرفت و نه حاضر به پذیرفتن آرای اهل حدیث و نظام فکری آنها شد. او از نظر تألیف و نگارش، که عمدتاً در دفاع از عقاید معتزلی بود، در اوج قرار دارد ولی علی‌رغم خواست او بیشتر شاگردانش در تشیع هضم شدند (صبحی، ۱۴۰۵: ۳۳۲/۱). وی در سال ۴۱۵ ه.ق. در ری درگذشت (زرکلی، ۱۹۸۹: ۲۷۳/۳).

روش و هدف قاضی عبدالجبار از نگارش تثبیت دلایل النبوة

نگاه پدیدآورندگان کتاب‌های دلایل به موضوع و محتوای آثارشان یکسان نیست و این نگاه در کمیت و مطرح کردن برخی از مباحث تأثیر داشته است. از این‌رو در این کتاب‌ها، هم از لحاظ موضوع و هم از نظر روش، مباحث به یکسان مطرح نشده و چه بسا در برخی از آنها مباحثی مطرح شده باشد که با سیره و مغازی رسول خدا (ص) هیچ ارتباطی ندارد.

تثبیت دلایل النبوة، تألیف قاضی عبدالجبار، کتابی است که در اثبات علائم نبوت پیامبر (ص) نگاشته شده است. بدون تردید اثبات نبوت هر پیامبری نیازمند دلایل قوی و مستحکمی است که بتواند مردمان را اقناع کند و به طاعت و فرمان‌برداری از پیامبر وادارد. عبدالجبار در ذکر هر یک از فصول کتابش و در تکیه بر استدلال برای اثبات معجزات و دلایل پیامبر اسلام (ص)، راهی برای سرکوب مخالفانش یا کسانی که عقایدی مشابه عقیده او ندارند جسته است و حیطه این مخالفان نه تنها پیروان ادیان دیگر، که حتی هم‌کیشان خود او، مانند نظام، را شامل می‌شود. این کتاب به شیوه جدلی نوشته شده است.

رینولدز، که در این زمینه تحقیق کرده، کتاب تثبیت دلایل النبوة را کتابی ضد مسیحی می‌داند و آن را اثری مدافعه‌ای می‌یابد نه مجادله‌ای. به عقیده او، در ظاهر، هدف این کتاب اثبات اعتبار و درستی نبوت محمد (ص) و تعالیمی است که آورده است، اما او میان دفاع از عقاید اسلامی و رد و نفی عقاید غیراسلامی هیچ فرقی قائل نمی‌شود. لذا دست به حمله می‌زند و بر همه گروه‌هایی که منکر نبوت محمد (ص) هستند، یا آن را قبول دارند اما نه به گونه‌ای که او به آن قائل است، می‌تازد. این گروه‌ها عبارت‌اند از: فلاسفه، اختربینان، شیعیان، زردشتیان، یهودیان و در سطحی بالاتر مسیحیان (رینولدز، ۱۳۸۲: ۷۶-۸۰). رینولدز توجه او به مسیحیت را متأثر از دو عامل می‌داند:

۱. در زمانی که عبدالجبار همدانی کتابش را می‌نوشت در نبردهای مرزی غالباً دست بالا با امپراتوری مسیحی بیزانس بود که تا هشت قرن بعد که امپراتوری بیزانس و

امارت‌های اسلامی هم‌زیستی داشتند وضع به همین گونه بود. خطر بیزانس، که با ظهور فاطمیان شیعی اسماعیلی در مصر هم‌زمان شده بود، این تصور را برایش پیش می‌آورد که اسلام در محاصره قرار گرفته است.

۲. وجود جماعت بزرگ مسیحیان در ری؛ صاحب بن عباد، وزیر قدرتمند آل‌بویه در سال ۳۶۷ ه.ق. عبدالجبار را به قاضی‌القضاتی شهر ری منصوب کرد. او در این شهر با این جمعیت مواجه بود و برای نخستین بار با آنها ارتباط گسترده‌ای یافت. البته پیش از این هم در بصره و بغداد با مسیحیان روبه‌رو شده بود اما بیشتر حشر و نشرش با بزرگان و دانشمندان مسلمان بود و با مسیحیان تعامل کمتری داشت (همان).

کتاب تثبیت دلائل النبوة تاکنون یک بار به همت عبدالکریم عثمان تصحیح و منتشر شده است. این کتاب در زمینه مسائل مربوط به عقاید ملل و نحل مختلف، دارای اهمیت است. درباره این کتاب تاکنون مقالات مختلفی نوشته شده و پژوهشگران در نوشته‌های مربوط به دلایل نگاری بدان استناد می‌کنند. سبک کتاب تثبیت با دیگر آثار قاضی عبدالجبار متفاوت است و گاه در این کتاب به کتابی به نام المصباح ارجاع می‌دهد (عبدالجبار همدانی، بی تا الف: ۸۶/۱، ۱۰۶، ۴۳۰/۲، ۶۲۳). کتاب شامل فصل‌های متعددی است و نویسنده به هنگام بحث از دلایل و نشانه‌های نبوت پیامبر (ص)، فقط به بیان دلایل اکتفا نکرده، بلکه بعضاً به مباحثی پرداخته که به نظر وی ضروری می‌رسیده، ولو اینکه ارتباطی با موضوع محل بحث نداشته باشد. از این رو می‌توان نظرگاه مؤلف درباره ادیان آسمانی و غیر آسمانی، فلسفه یونان، فلاسفه اسلامی، روش باطنی‌گری و ... را شناخت. در این کتاب معجزاتی چون إسراء و معراج، خبر دادن پیامبر از پیروزی مؤمنان علی‌رغم ضعف قوای ایشان، شق القمر، پیروزی فارسیان بر رومیان، عجز جن و انس از آوردن همانند قرآن، اخبار پیامبر از غلبه دین اسلام بر سایر ادیان، آیات الاهی که در نبرد بدر آشکار شد، داستان مباحله و ... بیان شده است.

عقاید قاضی عبدالجبار درباره نبوت و معجزات نبی (ص)

قاضی عبدالجبار همدانی از ائمه معتزلی بود. از منظر او، وقتی پیامبری از طرف خدا برانگیخته می‌شود باید ادعای نبوت کند و برای تحکیم این ادعا و به منظور صدق نبوت، نشانه‌ها و معجزاتی ارائه کند. وی شروطی را که برای معجزه‌بودن هر فعل ضروری است این‌گونه بیان می‌کند:

۱. معجزه از ناحیه خدا یا در حکم آنچه از ناحیه خدا است باشد. معجزه بر دو قسم است: اول معجزه‌ای که تحت قدرت قادران قرار نمی‌گیرد و هیچ‌کس قادر به انجام‌دانش نیست، مانند زنده کردن مردگان، شفای کور مادرزاد، تبدیل عصا به مار و ...؛ دوم معجزه‌ای که تحت قدرت قادران قرار می‌گیرد، مانند زیر و رو کردن شهرها، جابه‌جا کردن کوه‌ها و بیرون آوردن ناله از درخت.

۲. پیامبر (ص) بعد از اینکه ادعای نبوت کند باید معجزه را آشکار کند. معجزه قبل از ادعای نبوت به آن ارتباطی نخواهد داشت و اگر با فاصله زیادی پس از آن صورت گیرد چندان مفید فایده نخواهد بود (بدوی، ۱۳۷۴: ۵۲۱-۵۲۳).

۳. پیامبر (ص) از خدا تقاضای معجزه کرده باشد (عبدالجبار همدانی، بی تا ب: ۱۶۱/۱۵).

۴. خلاف عادت کسانی باشد که در میان آنها زندگی می‌کند؛ زیرا در غیر این صورت دلیلی بر صدق او نخواهد بود. مثلاً اگر کسی ادعای نبوت کند و معجزه خود را طلوع خورشید از غرب و غروب آن در مشرق اعلام کند این مسئله دلیل صدق او خواهد بود.

معجزه باید عادت یا قوانین جاری در طبیعت را نقض، و برخلاف آن عمل کند. خداوند معجزه هر پیامبر را از چیزهایی قرار می‌دهد که مردم عصر او با آن سر و کار داشته‌اند (بدوی، ۱۳۷۴: ۵۲۱-۵۲۳).

انطباق شاخصه‌های دلایل‌نگاری با کتاب تثبیت دلائل النبوه

دیدگاه قاضی عبدالجبار همدانی درباره معجزه و نشانه‌های نبوت تا حدودی با دیگر نویسندگان دلایل متفاوت، و به اختصار چنین است:

۱. سکوت درباره بشارات انبیای پیشین: قاضی عبدالجبار همدانی درباره بشارات انبیای پیشین سکوت کرده و در کتاب تثبیت دلائل النبوه به هیچ مطلبی در این زمینه بر نمی‌خوریم.

۲. اشاره نکردن به ارهاصات: درباره ارهاصات چیزی در کتاب تثبیت دلائل النبوه نیامده و قاضی عبدالجبار با سکوت از کنار این مبحث عبور کرده است.

۳. بیان معجزات پیامبر (ص) و توجه ویژه به آن: آنچه در باب معجزه در کتاب تثبیت دلائل النبوه آمده مفصل و تقریباً کامل است. قاضی عبدالجبار بر دو نوع معجزه در کتابش صحنه می‌گذارد: اول قرآن و آگاهی‌هایی که از غیب می‌دهد؛ و دوم معجزات حسی که در قرآن به آن اشاره شده یا به حد تواتر رسیده است. قاضی عبدالجبار به معجزات حسی مادی که در قرآن و سنت صحیحه وارد شده ایمان دارد و آگاهی از غیب را از مهم‌ترین دلایل نبوت می‌داند. به نظر او، قرآن از سه جهت حجت است: الف. فصاحت و بلاغت؛ ب. اخبار غیبی موجود در آن؛ ج. آگاهی‌هایی که با دلایل عقلی می‌دهد (عبدالجبار همدانی، بی تا الف: ز).

قاضی عبدالجبار به عنوان متفکر معتزلی عقل‌گرا معتقد بود پیامبر اسلام (ص) فقط پس از ادعای نبوت باید معجزاتش را ارائه کند. او در نوشتن کتابش این اصل را به کار گرفته و برخلاف تمامی کتاب‌های دلایل، فقط معجزاتی را مطرح می‌کند که پس از ادعای نبوت حضرت محمد (ص) به وقوع پیوسته است. او در ابتدای کتابش می‌نویسد که این کتاب تثبیت دلایل نبوت پیامبرمان محمد (ص) است و ادله‌ای بر معجزاتش، و ظهور نشانه‌های پیامبری‌اش و ردیه‌ای بر کسانی که آن را انکار می‌کنند. او کتاب را با آنچه در قرآن است و آنچه از اخبارش رسیده است آغاز می‌کند:

همه اخبار می‌گویند او در مکه ظهور کرد. یهود و نصارا و فارس و مجوس و هندوها و قومش از قریش و عرب کفر ورزیدند و از آنها برائت جست و خدایانشان را رسوا کرد و از پیشینیانشان بیزاری جست و دین‌هایشان را گمراه شمرد و جماعاتشان را پراکنده ساخت و به آنها گفت: «خدا مرا فرستاده و از عالمیان مرا برگزیده و مرا حجتی بر تمام کسانی که دعوت مرا از اولین و آخرین تبلیغ کرده‌اند، و خاتم پیامبران و آخرین فرستادگان قرار داده است و دین من بر همه ادیان غلبه می‌کند و سخن من و پیروانم بالاترین است و انهم هم الغالبون القاهرون المالکون» (همان: ۶).

به این ترتیب وی موضعش را در ابتدای راه آشکار می‌کند. از دیدگاه عبدالجبار همدانی، وقتی پیامبر (ص) سخنانش را بیان، و قرآن را تلاوت کرد، خدا به محمد (ص) گفت: «همانا پروردگار تو بر همه مردم احاطه دارد» و گفت: «ای رسول آنچه از پروردگارت بر تو نازل شد ابلاغ کن و اگر انجام ندهی رسالت را ابلاغ نکرده‌ای و خدا تو را از مردم در امان نگاه می‌دارد» (مائده: ۶). از این زمان مشرکان، یهود، نصارا، فارس و مجوس آزار و اذیت‌هایشان را آغاز کردند و در دشمنی او همدل شدند. او بحش را در زمینه دلایل النبوة با اشاره به این آزار و اذیت‌ها آغاز می‌کند و اینکه محمد (ص) از همه آنها جان سالم به در برد.

دیگر معجزاتی که عبدالجبار به آنها اشاره می‌کند عبارت است از: فرو ریختن شهاب‌ها در آسمان مکه؛ دعوت به تحدی که کسی نتوانست آیه‌ای همانند قرآن بیاورد؛ برخی خبرها که پیامبر (ص) راجع به نصرانی‌ها و مذهبشان اعلام کرد؛ اختلافی که بین نصارا درباره مسیح وجود دارد و گمان‌ها درباره اعدام او؛ اختلاف نصارا درباره اناجیل و تأثیراتی که اجتماعات نصرانی از عقاید و اخلاق روم پذیرفتند؛ اخوت و دوستی میان صحابه و در ادامه دوباره به سال‌های آغازین بعثت برمی‌گردد و به برخی از اعلام و معجزات پیامبر (ص) نگاهی می‌اندازد. ابتدا درباره وعده‌هایی که به قریش داد و بعدها تحقق یافت سخن می‌گوید و بعد دوباره اشاره می‌کند که دین او بر همه دین‌های دیگر

غلبه کرد. پس از آن در مواضع متعددی ابتدا آیاتی از قرآن را ذکر می‌کند و بعد به توضیح و تبیین آنها می‌پردازد و معجزات پیامبر (ص) را درباره آنها برمی‌شمرد. همچنین، برخی از جنگ‌ها و غزوات پیامبر (ص) را ذکر می‌کند و معجزات و نشانه‌های پیامبری محمد (ص) را که در آن هنگام ظاهر شده بود یادآور می‌شود (عبدالجبار همدانی، بی تا الف: ۶۲-۱۳۶). از این رو قاضی عبدالجبار همدانی در دو سطح به معجزات توجه کرده است:

الف. معجزات حسی پیامبر (ص): معجزاتی همچون شق القمر، لیلۃ الاسری، فروریختن ستارگان مکه و ... که در قرآن و سنت به آن اشاره و پذیرفته شده است. قاضی عبدالجبار همدانی در سخن از معجزات پیامبر (ص) به ماجرای اسراء یا سفر شبانه پیامبر از مسجدالحرام به مسجدالاقصی و سپس بازگشتش در همان شب می‌پردازد، در حالی که این سفر به طور عادی دو ماه به طول می‌انجامد. وی در این زمینه می‌نویسد که ابوبکر در پاسخ به مسلمانان که چگونه می‌توان چنین چیزی را باور کرد می‌گوید او در یک لحظه خبری را از آسمان به زمین می‌آورد و فاصله آسمان تا زمین از فاصله بیت المقدس تا مکه بسیار بیشتر است. پس از آن ابوبکر برای آنکه صدق گفته پیامبر را به مردم نشان دهد از ایشان خواست که بیت المقدس را توصیف کند و وی مسجد و مدخل و سقوف و هر آنچه در آن قرار دارد برای ایشان وصف کرد؛ و در این زمان سرزمین شام متعلق به دولت روم بود (همان: ۴۶-۴۸).

عبدالجبار همدانی به ماجرای شق القمر نیز اشاره می‌کند که پیامبر (ص) شبی مهتابی به مکه می‌رفت و یک نفر از اصحابش و یک نفر از مشرکان با او بودند. به او گفتند: «ای محمد! اگر آن گونه که گمان می‌کنی رسول خدا هستی از خدایت بخواه که ماه را به دو نیم کند». پیامبر (ص) از خدا درخواست کرد و ماه به دو نیم شد. مشرکان آن را سحر دانستند. این واقعه را علی بن ابی طالب (ع)، عبدالله بن مسعود، جبیر بن مطعم، ابن عمر، ابن عباس و انس بن مالک ذکر کرده‌اند و از بزرگ‌ترین نشانه‌ها و براهین بر صدق نبوت او است. بعد اشاره می‌کند که نظام^۳ در شق القمر تردید دارد، با این دلیل که

واقع‌نگری در دلایل‌نگاری: بررسی تثبیت دلایل النبوة اثر قاضی عبدالجبار همدانی معتزلی / ۱۱۱

اگر ماه به دو نیم می‌شد مردم مغرب و مشرق‌زمین باید آن را می‌دیدند و این از نشانه‌های قیامت است (همان: ۵۵-۷۰).

ب. قرآن و معجزات معنوی آن یعنی آگاهی از غیب: وی آیاتی از قرآن را که در آن خبری از آینده داده می‌شود آورده و به تفصیل بررسی و شرح کرده است، از جمله آیه «قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيراً» (اسرا: ۸۸).

۴. توجه به احادیث مناسب و مرتبط با دلایل النبوة و ذکر آن: وی هنگامی که درباره دلایل نبوت به تفصیل سخن می‌گوید در حوزه حوادث و دلایل باقی نمی‌ماند، بلکه طبق عادت پیشینیان به همه احادیث ضروری و مناسبی که به این موضوع پرداخته‌اند توجه می‌کند.

نتیجه

در تاریخ اسلام کتاب‌های دلایل با عناوین مختلفی همچون «دلائل النبوة»، «اثبات النبوة»، «تثبیت دلایل النبوة»، «امارة النبی»، «اعلام النبوة» و ... با محوریت موضوعی اثبات پیامبری حضرت محمد (ص) نگاشته شده است. این گونه آثار از لحاظ مضمون و محتوا، منابع، حیطه زمانی و قلمرو جغرافیایی از تنوع برخوردار است و از منظرهای گوناگون و با روش‌های مختلفی نگارش یافته است. کتب دلایل‌نگاری در تقابل با اندیشه‌های الحادی و ضددینی نوشته شده و زائیده اوضاع فرهنگی، تاریخی و سیاسی خاص خود بوده است. عواملی همچون کشورگشایی‌های مسلمانان، تداخل فرهنگ‌ها، نهضت ترجمه و رونق بحث و گفت‌وگو با دانشمندان دیگر ادیان همگی در پدیدآمدن اندیشه دلایل‌نگاری نبوی دخیل بوده است. در این میان کتاب تثبیت دلایل النبوة اثر قاضی عبدالجبار همدانی یکی از آثار مهم و مشهور در دلایل‌نگاری نبوی (ص) است. اگرچه هدف اصلی قاضی عبدالجبار از نوشتن این کتاب شاید حمله به همه گروه‌های مخالف عقایدش، از جمله مسیحی، یهودی، شیعه و حتی کسانی از معتزله بوده، اما به

هر روی اختصاصات دلایل‌نگاری نیز در آن به چشم می‌خورد و در خور بحث و بررسی است.

قاضی عبدالجبار یکی از ائمه مهم معتزلی عقل‌گرا بود و عقایدش در این باب، چارچوب اثر او در زمینه پرداختن به دلایل پیامبری را شکل می‌دهد. از میان شاخصه‌های دلایل‌نگاری، قاضی عبدالجبار همدانی با سکوت از کنار بشارت انبیای پیشین و نیز ارهاصات می‌گذرد. به معجزه به شکل خاص‌تری در این کتاب توجه شده است. از میان انواع معجزات برشمرده‌شده برای نبی اکرم (ص)، در کنار معجزات حسی واردشده در قرآن یا معجزات مشهوری که به حد تواتر رسیده، قرآن و آگاهی‌های بسیاری که از غیب می‌دهد محل توجه نویسنده بوده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. ذهبی درباره این شخص می‌گوید: «عمر بن حفصون بن عمر بن دمیان، شورشی اندلسی که در سال ۲۷۰ جمعیتی را تشکیل داد و جنگ‌های بسیار برپا کرد و به رئیس خوارج اندلس معروف شد» (ذهبی، ۱۴۱۳: ۲۶۳/۸).
۲. معتقدان به عنصر سومی که میان دو عنصر قدیم نور و ظلمت آمیختگی ایجاد می‌کند.
۳. ابراهیم بن سیار معروف به نظام از بزرگان معتزله در قرن دوم و سوم هجری.

منابع

قرآن کریم.

آیین‌وند، صادق (۱۳۷۷). علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

ابن اثیر، عزالدین علی (۱۳۷۱). الکامل، ترجمه: ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.

ابن عبری، ابوالفرج هارون (۱۳۶۴). تاریخ مختصر الدول، ترجمه: محمدعلی تاج‌پور و حشمت‌الله ریاضی، تهران: اطلاعات.

ابن فارس، احمد (بی‌تا). مقایس اللغة، تحقیق: محمد هارون، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۴۶). الفهرست، ترجمه: محمدرضا تجدد، بی‌جا: چاپ‌خانه بازرگانی ایران.

ابو حیان توحیدی، علی بن محمد بن عباس (۱۹۶۵). اخلاق الویزیرین، دمشق: مطبعة هاشمية.
ابو نعیم اصفهانی، احمد بن عبد الله (۱۳۹۷). دلائل النبوة، حیدر آباد: دائرة المعارف العثمانية.
ابو حاتم رازی، احمد (۱۳۹۷). اعلام النبوة، به کوشش: صلاح صاوی و غلام‌رضا اعوانی، با مقدمه انگلیسی: حسین نصر، تهران: انجمن شاهنشاهی فلسفه ایران.

بدوی، عبدالرحمن (۱۳۷۴). تاریخ اندیشه‌های کلامی در اسلام، ترجمه: حسین صابری، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
بغدادی، اسماعیل (بی‌تا). ایضاح المکنون فی الذیل علی کشف الظنون عن اسامی الكتب والفنون، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

بغدادی، اسماعیل پاشا (۱۹۵۱). هدیة العارفین، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
بهرامیان، مسعود؛ حسینی قمصری، سید علی (۱۳۹۲). «زمینه‌ها و علل شکل‌گیری کتب دلایل»، در: تاریخ‌نامه خوارزمی، س ۱، ش ۱، ص ۳۵-۵۶.

بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۰۵). دلائل النبوة و معرفة احوال صاحب الشریعة، بیروت: دار الكتب العلمية.

تیمی اصفهانی، اسماعیل بن محمد (۱۴۱۲). دلائل النبوة، تحقیق: مساعد بن سلیمان راشد الحمید، ریاض: دار العاصمة.

جزری، ابن اثیر (۱۴۰۰). اللباب فی تهذیب الانساب، بیروت: دار صادر.
جعفریان، رسول (۱۳۷۲). مناسبات فرهنگی معتزله و شیعه تا آغاز دوره انحلال معتزله در شیعه، قم: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.

جعفریان، رسول (۱۳۸۵). سیره رسول خدا (ص)، قم: دلیل ما.

حلی، جمال‌الدین (بی‌تا). *کشف المراد: شرح تجرید الاعتقاد*، ترجمه و شرح فارسی: ابوالحسن شعرانی، تهران: اسلامیه.

حموی، یاقوت بن عبد الله (۱۳۷۴). *معجم الادباء*، ترجمه: عبدالحمید آیتی، تهران: سروش.
خانجانی، قاسم (۱۳۸۱). «دلایل نگاری در سیره نبوی»، در: *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، ش ۶۱-۶۲، ص ۱۳۲-۱۳۷.

دوری، عبد العزیز (۱۴۲۰). *بحث فی نشأة علم التاريخ عند العرب*، ریاض: مكتبة العبيكان.
دهقانی‌نژاد، عباس؛ سعیدی مهر، محمد (۱۳۹۴). «اثبات وقوع معجزات از دیدگاه قاضی عبدالجبار معتزلی و ریچارد سویین‌برن»، در: *اندیشه دینی*، ش ۲ (۹۴)، دوره ۱۵، ص ۲۷-۴۸.
ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد بن عثمان (۱۴۱۳). *سیر اعلام النبلاء*، بیروت: مؤسسة الرسالة.
ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد بن عثمان (۱۴۱۴). *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر الاعلام*، بیروت: دارالکتب العربی.

رینولدز، جبرئیل سعید (۱۳۸۲). «آیا تثبیت دلایل النبوة را می‌توان منبعی مسیحی به شمار آورد؟»، ترجمه: منصور معتمدی، در: *معارف*، ش ۳، ص ۷۶-۱۰۶.

زرکلی، خیرالدین (۱۹۸۹). *الاعلام*، بیروت: دار العلم للملایین.
زریاب‌خویی، عباس (۱۳۶۸). *بزم‌آورد*، تهران: محمدعلی علمی.
زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۴). *کارنامه اسلام*، تهران: امیرکبیر.
زیدان، جرجی (۱۳۸۶). *تاریخ تمدن اسلام*، ترجمه و نگارش: علی جواهرکلام، تهران: امیرکبیر.
سجادی، صادق؛ عالم‌زاده، هادی (۱۳۸۰). *تاریخ نگاری در اسلام*، تهران: سمت.
سجستانی، ابو یعقوب (۱۹۶۶). *اثبات النبوات*، تحقیق: عارف تأمر، بیروت: مطبعة الكاثولیکية.
سزگین، فؤاد (۱۳۸۰). *تاریخ نگارش‌های عربی*، ترجمه: مؤسسه نشر فهرستگان، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

سمعانی، عبد‌الکریم (۱۴۰۸). *الانساب*، بیروت: دار الجنان.
صبحی، احمد محمود (۱۴۰۵). *فی علم الکلام*، بیروت: دار النهضة العربية.
ضبی، احمد بن یحیی (۱۸۸۴). *بغیة الملتبس فی تاریخ رجال اندلس*، مجریط: روخس.
طبری، علی بن سهل (۱۳۹۳). *الدین والدولة فی اثبات نبوة النبی*، بیروت: دار الآفاق الجديدة.
طقوش، محمد سهیل (۱۳۹۳). *تاریخ عباسیان*، ترجمه: حجت الله جودکی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

طوسی، ابوعلی حسن (خواجہ نظام‌الملک) (۱۳۴۷). *سیر الملوک: سیاست‌نامه*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

عبد الجبار همدانی اسدآبادی، قاضی بن حسن (بی تا الف). *تثبیت دلایل النبوة*، بیروت: دار العربية.
عبدالجبار همدانی اسدآبادی، قاضی بن حسن (بی تا ب). *المغنی فی ابواب التوحید والعدل*، مصر: بی‌نا.

واقع‌نگری در دلایل‌نگاری: بررسی تثبیت دلایل النبوة اثر قاضی عبدالجبار همدانی معتزلی / ۱۱۵

غالب، مصطفی (۱۹۶۴). *الاعلام الاسماعيلية*، بیروت: دار الیقظة العربية.
فریابی، محمد بن جعفر (۱۹۵۴). *دلایل النبوة و معه*، تصحیح: محمود بن محمد حداد، ریاض: دار الطیبة.

قمی، شیخ عباس (۱۳۶۸). *الکنی واللقاب*، طهران: مکتبة الصدر.
کحالة، عمر رضا (بی‌تا). *معجم المؤلفین*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (۱۳۸۹). *دانش‌نامه سیره نبوی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
متر، آدام (۱۳۶۲). *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری*، ترجمه: علی‌رضا ذکاوتی فراگزلو، تهران: امیرکبیر.

مدرس، میرزا محمدعلی (بی‌تا). *ریحانة الادب*، تبریز: چاپ‌خانه مشفق.
مشکور، محمدجواد (۱۳۶۸). *سیر کلام در فرق اسلام*، تهران: شرق.
مطهری، حمیدرضا (۱۳۸۷). *زندگه در سده‌های نخستین اسلامی*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۸). *رجال نجاشی*، بیروت: دار الأضواء.
نصر، سید حسین (۱۳۸۶). *علم و تمدن در اسلام*، ترجمه: احمد آرام، تهران: علمی‌فرهنگی.
نصیر الدین طوسی، محمد بن محمد (۱۴۰۵). *تلخیص المحصل المعروف بنقد المحصل*، بیروت: دار الاضواء.

نیآوردی، علی بن محمد (۱۴۱۴). *اعلام النبوة*، تحقیق: خالد عبد الرحمن عک، بیروت: دار النفائس.
هالم، هاینز (۲۵۳۶). *دانش‌نامه ایران و اسلام*، زیر نظر: احسان یارشاطر، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

References

Holy Quran.

Ayyine Vand, Sadiq (1998). *Science of History in the Realm of Islamic Civilization*, Tehran: Research Center for Humanitarian Sciences and Cultural Studies.

Ibn Athir, 'Iz Al-Din 'Ali (1992). *Al-Kamil* [in Arabic], Translated by: Abulqasim Halat and 'Abbas Khalili, Tehran: Scientific Press Institute.

Ibn 'Ebri, Abulfaraj Harun (1985). *Breif History of the Nations*, Translated by: Mohammad 'Ali Taj Pour and Hishmatallh Riydi, Tehran: Itila'at.

Ibn Faris, Ahmad, *Maqayis al-Lugha* (Scales of the Vocabulary). Research by: Mohammad Harun, Qom: Publications of the Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom.

Ibn Nadim, Mohammad ibn IShaq (1967), *Al-Fihrist* (the List), translated by: Mohammad Reda Tajddud, Iran Commercial Printing House.

Abu Hayyan Tawhidi, 'Ali ibn Mohammad ibn 'Abbas (1965). *Akhlaq Al-Weizirin* [in Arabic], Damascus: Hashimiyya Publication.

Abu Na'im Isfahani, Ahmad ibn 'Abdullah (2018). *Dala'il Al-Nobowwa* (Reasons for Prophecy), Heidar Abad: uthmaniyya Ecnyclopedia.

Abu Hatam Razi, Ahmad (2018). *A'lam Al-Nobowwa*, (Signs of Prophecy), Assisted by: Salah Sawi and Gholam Reda a'wani, English Intorduction by: Hussain Nasr, Tehran: Royal Association of Philosophy of Iran.

Badawi, 'Abd Al-Rahman (1995). *History of Theological thought in Islam*, translated by: Hussain Saberi, Mashhad: Astan-i Quds-i Razavi, Bunyad-i Pazhuhish-hayi Islami. First edition. [In Persian].

Baghdadi, Isma'il. *Idah Al-Maknun fi Al-Zeil 'Ala Kashf Al-Zanun 'an Asami Al-Kutub wa Al-Funoun*, [in Arabic], Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi.

Baghdadi, Isma'il Pasha (1951), *Hodya Al-'Arifin* [in Arabic], Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi.

Bahramian, Mas'oud; Hussaini Qamsari, Seyyed 'Ali (2013), "Backgrounds and Reasons for forming of Dala'il Books", in: Kharazmi History, Year 1, Issue 1, pp 35 – 56.

Beihaqi, Ahmad ibn Hussain (1984). *Dala'il Al-Nobowwa wa Ma'rifat Ahwal Sahib Al-Shari'a* [in Arabic], Beirut: Dar Alkutub Al- 'Ilmiyya.

- Tayemi Isfahani, Isma'il Ibn Mohammad (1991). *Dala'il Al-Nobowwa* (Reasons for Prophecy), Research by: Musa'id ibn Soleiman Rashid Al-Hamid, Riyad, Dar Al-'Asima.
- Jezri, Ibn Athir (1979). *Al-Bab fi Tahzib Al-Ansab* [in Arabic], Beirut: Dar Sadir.
- Ja'farian, Rasul (1993). Cultural relations between Mo'tazelite and Shi'a until the beginning of Mo'tazelite dissolution into Shi'a, Qom: Islamic Propagation Office Publications.
- Ja'farian, Rasul (2006), Holy Prophet's Practice, Qom, Dalil Ma Publication.
- Al-Hilli, Jamal Al-Din. *Kashf Al-Morad: Sharh Tajrid Al-I'tiqad* [in Arabic], Translation and Farsi interpretation by: Abulhassan Sha'rani, Tehran: Islamiyya.
- Hamawi, Yaqt ibn 'Abd Allah. (1995). *Mu'jam al-Udaba* (Dictionary of Literary men), Translated by: 'Abdulhamid Ayati, Tehra: Soroush.
- Khanjani, Qasim (2002). "Writing reasons in Prophet's Practice", in: Book Of Moon, History and Geography, Issues 61 – 62, pp 132 – 137.
- Dowri, 'Abd Al-'Aziz (1999). *Bahth fi Nash'at 'Ilm Al-Tarikh 'ind Al-'Arab* (Discussion regarding the origin of Science of History Among Arabs, Riyad: MAktab Al-'Abikan.
- Dehqani Nezhad, 'Abbas; Sa'idi Mehr, Mohammad (2015). "Proving the occurrence of miracles from the view point of Qadi 'Abd Al-Jabbar Mo'tazeli and Richard Swinburne", in Religious Thought, Issue 2, Round 15, pp 27 – 48.
- Zahabi, Shams Al-Din Mohammad ibn Ahmad ibn Uthman (1992). *Seir I'lam Al-Nabla'* [in Arabic], Beirut: Mu'assissat Al-Risalat.
- Zahabi, Shams Al-Din Mohammad ibn Ahmad ibn Uthman (1993). *Tarikh Al-Islam wa Wafiyat Al-Mashahir Al-A'lam* [in Arabic], Beirut: Dar Al-Kitab Al-'Arabi.
- Reynolds, Jibra'il Sa'id (2003). Can "Proving the Reasons for Prophecy" be considered a Christian source?, Translated by: Mansur Mo'tamedi, in: Ma'arif, Issue 3, pp 76 -106.
- Zaryab Khoie, 'Abbas (2007). *Bazm Avard* [in Farsi], Tehran: Mohammad 'Ali 'Ilmi.
- Zarkali Khairuddin (1989). *Al-A'lam*, Beirut: Dar al-'Ilm li-l-Malayin.
- Zarrinkub, Dr. 'Abd al-Husayn(2005). *Karnameye Islam* [in Farsi], Tehran: Amir Kabir.
- Zeidan, Jorji (2007). History of Islam Civilization, Translated and Written by: 'Ali Jawahir Kalam, Tehran: Amir Kabir.

- Sajjadi, Sadiq; 'Alim Zadeh, Hadi (2001). *Historiography in Islam*, Tehran: Samt Publication.
- Sejestani, Abu Ya'qub (1966). *Ithbat AL-Nobowat* (Proving the Prophethoods), Research: 'Arif Ta'mur, Beirut: Al-Katholikiyya Publication.
- Sezgin, Fuat (2001). *History of Arabic Writings*, Translated by: Mu'assisat Nashr Fehrestegan, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Sam'ani, 'Abdulkarim (1987). *Al-Ansab* (The Genealogy), Beirut: Dar Al-Janani.
- Sobhi, Ahmad Mahmoud (1984). *Fi 'Ailm Al-Kalam* (on Theology), Beirut: Dar Al-Nihzat Al-'Arabiyya.
- Dabi, Ahmad ibn Yahya (1884). *Baghyar Al-Multamis fi Tarikh Rijal Andelus* [in Arabic], Majrit: Rokhes.
- Tabari, 'Ali ibn Sahl (2014). *Al-Din wa Al-Dowlat fi Ithbat Nobowwa Al-Nnabi* (Religion and Government in proving the prophethood of the holy prophet), Beirut: Dar Al-Afaq Al-Jadida.
- Taqoush, Mohamad Soheil (2014), 'Abbasids History, Translated by: Hojattullah Joudaki, Qom: Research Institute of Hawzeh and University.
- Tousi, Abu 'Ali Hassan (Khaje Nizam Al-Mulk) (1986), *Seir Al-Muluk: Siasat Nameh* [in Arabic], Tehran: Bungah-i Tarjumih va Nashr-i Kitab. [In Farsi]
- 'Abd Al-Jabbar Hamedani Asad Abadi, Qadi ibn Hassan. *Tathbit Dala'il Al-Nobowwa* (Proving the reasons for prophethood, Beirut: Dar Al-'Arabiyya.
- 'Abd Al-Jabbar Hamedani Asad Abadi, Qadi ibn Hassan. *Al-Mughni fi Abwab Al-Tawhid wa Al-'Adl* (The sufficient in the Unity and Justice of God), Egypt.
- Ghalib, Mustafa (1964). *Al-A'lam Al-Isma'iliyya* [in Arabic], Beirut: Dar Al-Yaqazat Al-'Arabiyya.
- Faryabi, Mohammad ibn Ja'far (1954), *Dala'il Al-Nobowwa wa Ma'a* [in Arabic], edition: Mahmoud ibn Mohammad Hadad, Riyad: Dar Al-Tayyiba.
- Qomi, Sheikh 'Abbas (1989). *Al-Kunye wa Al-Alqab* (Names and titles), Tehran: Maktaba Al-Sadr.
- Kahalat, 'Umar Reda. *Mu'jam Al-Mu'alifin* (Dictionary of Authors), Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi.
- Department of History, Research Institute of Hawzeh and University(2010), *Danishnami-yi Sireye Nabawi* (Encyclopedia of Prophet's Practice), Qom: Research Institute of Hawzeh and University.

- Mez, Adam, (1983), *Islamic Civilization during the forth century*, Translated by:'Ali Reda Zekawati Qaraguzlu, Tehran: Amir Kabir Publications.
- Modarres, Mirza Mohammad 'Ali. *Reyhanat al-Adab* [in Arabic], Tabriz: Mushfiq Printing House.
- Mashkur, Mohammad Jawad (1989). *Development of Theology in Ismalic Denominations*, Tehran: Sharq Publications.
- Mutahhari, Hamid Reda (1999). *Zandaqeh in early centuries of Islam*, Qom: Research Center for Islamic Science and Culture.
- Najashi, Ahmad ibn 'Ali (1987), *Rijal Najashi* (Najashi Figuers of Hadith), Beirut: Dar al-Adwa' [in Arabic].
- Nasr, Seyyed Husssain (2007), "Science and Civilization in Islam", translated by: Ahmad Aram, Tehran: 'Ilmi farhangi Publications.
- Tusi, Nasir al-Din, Mohammad ibn Mohammad (1984). *Talkhis al-Muhassal al-Ma'ruf bi-Naqd al-Muhassal* (Summary of al-Muhassal [the Acquired], known as the Critique of al-Muhassal). Beirut: Dar al-Adwa'. [In Arabic].
- Niavardi, 'Ali ibn Mohammad (1993). *A'lam Al-Nobowwa* (Signs of Prophethood), research: Khalid 'Bad Al-Rahman, Beirut: Dar Al-Nafa'is.
- Halm, Heinz (2536). *Encyclopedia of Iran and Islam*, Supervised by: Ihsan Yar Shater, Tehran: Bungah-i Tarjumih va Nashr-i Kitab. [In Farsi]